



تشکل‌های کارگری دولت ساخته در خدمت نظام سرمایه داری

صادق کار

به جای آنکه ماهی امیدواری در میان کارگران و رهبران تشکل‌های مستقل شود، موجب نگرانی آنها را فراهم می‌کند. تقویت تشکل‌های وابسته، علامت آشکاری است مبنی بر این که وزیر کار دولت روحانی قصد دارد همچنان موانع فعالیت تشکل‌های واقعی و مستقل سندیکایی را بر خلاف وعده‌هایی که در ابتدا داده بود، حفظ کند و تشکل‌های وابسته به حکومت را مانند گذشته در خدمت سیاست‌های حکومت و علیه کارگران و تشکل‌های مستقل به کار بگیرد.

دولت روحانی چنان‌که تا کنون نشان داده است، موافق تعدیلاتی است که توسط دولت‌های گذشته در قانون کار علیه حقوق سندیکایی کارگران صورت گرفته است. دولت نه تنها نشانه‌ای حاکی از آن که خیال تجدید نظر در تعدیلات افراطی به عمل آمده در قانون کار را دارد بروز ندهد، بلکه قرائن موجود حکایت از آن دارند که دولت در نظر دارد و کوشش می‌کند تعدیلات انجام شده را تثبیت نماید.

این کوشش در شرایطی صورت می‌پذیرد که کارگران نسبت به تعدیلاتی که تا کنون در قانون کار به عمل آمده به شدت معترضند و آنرا دشمنی دولت‌ها با کارگران و تبعیت از کارفرمایان قلمداد می‌کنند. و خواستار لغو همه‌ی تعدیلات هستند.

افزون بر این، ماهیت سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی با دولت گذشته متفاوت نیست. ناگفته پیداست که آزاد کردن فعالیت‌های سندیکایی در چنین حال و هوایی سیاست‌های اقتصادی محافظه کارانه وضد اجتماعی دولت را به چالش خواهد کشاند.

واقعیت آن است که دولت بر خلاف آنچه که به آن تظاهر می‌کند، شکل‌گیری و فعالیت اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری مستقل و واقعی را مانع پیشبرد سیاست‌های اقتصادی‌اش می‌داند، اما چون این نیت در تضاد و تناقض با وعده‌هایی که پیش از انتخابات داده است قرار می‌گیرد، به ناگزیر مجبور است متوسل به فریب و تقلب شود و تشکلات حکومتی را به جای تشکل‌های مدنی و مستقل جا بزند.

اظهارات چالوسانه‌ی تعدادی از سرکردگان سرسپرده‌ترین تشکل‌های حکومتی در این نشست نیز حکایت از آمادگی آنان برای خدمت‌گزاری و همراهی‌شان با دولت و کارفرمایان و علیه کارگران دارد. این ذوق‌زدگی به حدی است که بعضی از آنها مانند اولیاییگی، عنان اختیار از دست می‌دهند و تعیین دستمزد ۱۰ درصد زیر خط فقر را از زمره افتخارات و خدمت‌شان به کارگر معنا می‌کنند.



بنا به گزارشی که خبرگزاری (ایلنا) به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تازگی منتشر نمود، علی‌ریبی در نخستین نشست‌های دولت روحانی در محل وزارت تعاون، کار و رفاه داشته است، از توجه به مسائل تشکل‌های کارگری و منظور کردن آن در برنام‌هاش سخن گفته است.

توجه به مسائل یا در واقع به مطالبات و انتظارات تشکل‌های کارگران به واقع امرنیکو و پسندیده‌ای است که هیچ کارگری نه تنها با آن نمی‌تواند مخالف باشد، بلکه باید از آن استقبال نیز بنماید.

شاید اگر وزیر کار شخص دیگری به غیر از علی‌ریبی، یکی از معماران و طراحان شناخته شده تشکل‌های حکومتی و از نقش‌آفرینان مهم سرکوب شوراها، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در ۲۵ سال گذشته می‌بود و شاید اگر حتی یکی از تشکل‌های مستقل غیرحکومتی در این نشست حضور پیدا می‌کرد، و شاید اگر رفتار ریعی در مدت وزارتش این همه متضاد با وعده‌هایی که در (برنامه‌اش) به کارگران داده بود نمی‌بود، این وعده می‌توانست کمی جدی گرفته شود و با استقبال تشکل‌های مستقل کارگری که همواره یکی از خواسته‌های‌شان از دولت‌ها و وزارای کار توجه آنها به مسائل تشکل‌ها بوده است روبرو می‌شد. اما حقیقت آن است که این واقعیات جای هیچ‌گونه خوشبینی‌ای نسبت به جدی بودن اظهارات وزیر کار در نشست مذکور باقی نمی‌گذارد.

همه‌ی قرائن حاکی از آنند که منظور وزیر کار از دادن وعده‌ی توجه به مسائل تشکل‌های کارگری، محدود به تشکل‌های فرمایشی است و شامل حال تشکل‌های اصیل کارگری نمی‌شود. بنا بر این وعده‌ی "توجه به تشکل‌های کارگری"،



داشتند، در هفته‌ی کارگر برای کارگران هم بازگو کنند و از کارگران بخواهند توقع‌شان را پایین بیاورند،

تقاضای افزایش دستمزد نکنند، زندگی زیر خط فقر را بپذیرند، به قراردادی شدن مشاغل و از میان برداشتن امنیت شغلی‌شان اعتراض نکنند، تشکل مستقل نخواهند، کارگران خاطلی بهتر است در زندان بمانند، در هفته‌ی کارگر به دیدن رهبر بروند و از او به خاطر فقر و فلاکتی که نصیب‌شان کرده تشکر و قدردانی کنند، و.....

علی ربیعی و سرکردگان تشکل‌های حکومتی اگر فکر می‌کنند می‌توانند تاریخ را ۳۵ سال به عقب برگردانند و ذهنیتی را که کارگران نسبت به عمل‌کرد آنها دارند پاک کنند و مدت دیگری کارگران را فریب دهند، سخت در اشتباه هستند. دست همه‌ی آنها نزد کارگران رو شده است، و این بار تیر آنان به سنگ خواهد خورد و نخواهند توانست تاریخ را به عقب برگردانند. تشکل‌های وابسته بی‌اعتبارتر از آن هستند که بتوانند منظور علی ربیعی را برآورده کنند و سطح شناخت و آگاهی و تجربه‌ی طبقه‌ی کارگر بالاتر از آن است که فریب ترفندهای وزیر کار را بخورند، ولو این که یک مامور امنیتی متبحر در امور کارگری باشد که به خاطر معماری تشکل‌های فرمایشی و سازماندهی سرکوب سازمان‌های کارگری اصیل و خدمت به سرمایه‌داران به مقام وزارت رسیده باشد.

علی اولیایی رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، در بخشی از سخنانی که در حضور ربیعی ایراد کرد، گفت: "خوشبختانه در آخرین روزهای پایان سال ۹۲ شاهد این همدلی و هم‌افزایی در بحث تعیین دستمزدها بودیم. عامه‌ی کارگران از دستمزد تعیین شده رضایت حداکثری دارند و آنچه که ما از کارگران شنیده‌ایم رضایت‌مندی است. بی‌تردید این موضوع حاصل تعامل و همدلی جناب عالی با سایر تشکل‌های کارگری و کارفرمایی است."

غلامرضا عباسی، دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران نیز گفت: "افزایش دستمزدها نتیجه‌ی چانه‌زنی‌هایی بود که شرکای اجتماعی با یکدیگر داشتند و ما از نتیجه‌ی آن‌که با درایت وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وفاقی که میان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی وجود داشت، دفاع می‌کنیم." آری، این همان انتظاری است که وزیر کار داشت: تأیید بی‌چون و چرای سیاست‌های دولت. ربیعی برای پیش‌برد سیاست‌های دولتش، به چنین تشکل‌هایی با چنین رهبران سرسپرده‌ای نیاز دارد.

او علی‌الحساب ظاهراً موفق شده است. حالا که خیالش راحت شده می‌تواند بدون نگرانی، از این جماعت سرسپرده بخواهد که "هفته‌ی کارگر" را امسال مفصل برگزار کنند و همین چیزهایی را که در حضور ایشان معروض

یادداشت

مخالفت با واگذاری درمان تأمین اجتماعی به وزارت بهداشت



جعفر حسین زاده

سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه‌گر اجتماعی و نهادی عمومی و غیردولتی است و وظیفه‌ی آن خدمات‌رسانی درمانی به بازنشستگان، کارگران، بیکاران، از کارافتادگان و محرومان جامعه است. مأموریت اصلی این نهاد عمومی پوشش بیمه‌ی کارگران مزد و حقوق‌بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (اختیاری) است. سازمان تأمین اجتماعی از دست‌آوردهای مبارزات سندیکایی طبقه‌ی کارگر ایران است که نزدیک به ۸۰ سال از

عمرش سپری می‌شود سازمان تأمین اجتماعی فعلی ایران به موجب قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ تشکیل و اساسنامه‌ی آن در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید.

جمعیت تحت پوشش این سازمان، شامل حدود ۱۲ میلیون نفر بیمه شده و بیش از دو میلیون نفر مستمری‌بگیر است که با در نظر گرفتن افراد خانواده‌ی بیمه شدگان، جمعیت تحت پوشش این سازمان برای خدمات درمانی به بیش از ۳۷ میلیون نفر می‌رسد.

در هفته‌های پایانی سال ۱۳۹۲ خبر گزاری‌ها، خبر از طرح واگذاری بخش درمان تأمین اجتماعی از وزارت کار به وزارت بهداشت دادند. و این مسئله در جامعه‌ی کارگری با مخالفت و واکنش‌های بسیاری روبرو گردید. جامعه‌ی کارگری نسبت به این طرح ادغام با "سازمان بیمه‌ی سلامت ایران" با شک و تردید نگاه می‌کند.

چون این کار در طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۸ که بخش درمانی سازمان در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته بود، با موفقیت عملی مواجه نگردید و به همین دلیل با تلاش جامعه‌ی کارگری، قانون الزامی تصویب شد و بخش درمان دوباره به بدنه‌ی اصلی سازمان بازگشت. جامعه‌ی کارگری این بار نیز اجازه نخواهد داد که این تجربه‌ی تلخ دوباره تکرار گردد و با امیال و مقاصد تجاری عده‌ای از مالکین و سهامداران بیمارستان‌های خصوصی، بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی را به بند بکشند.

در سال‌های اخیر مدیران دولتی سازمان تأمین اجتماعی سوءاستفاده‌های کلان مالی از این سازمان نمودند گزارش هشت هزار صفحه‌ای کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس



اقتصادی، دولت روحانی مجبور خواهد بود سهم خدمات درمانی و بازنشستگی را کاهش دهد. همان‌گونه که از دولت سازندگی تا به امروز این روند باعث شده است تا میلیون‌ها خانوار کارگری به تدریج از دریافت خدمات تأمین اجتماعی و حتی از حداقل قانونی نیز محروم شوند. با گران شدن آب، برق و حامل‌های انرژی در فاز دوم قانون هدف‌مندی‌سازی پارانه ها نیز نرخ تورم بیش از حد انتظار بالا می‌رود و قدرت خرید کارگران و همهی حقوق بگیران سقوط خواهد کرد.

با یادآوری این که کارگران ایران با مبارزات‌شان در دهه‌ی ۲۰ خورشیدی، رژیم شاه را به پذیرش قانون کار و تأمین اجتماعی وادار کردند، این سرمایه به کسی جز کارگران تعلق ندارد. اما با این حال دولت گذشته کار را به جایی رساند که سرمایه‌های کارگران را به نام خصوصی‌سازی مصادره و به فروش رساندند.

یک فعال دیگر در حوزه‌ی حقوق صنفی کارگران در همدان گفت که یکی از خواسته‌های مهم کارگران در روز کارگر سال جاری باید جلوگیری از واگذار شدن بخش درمان تأمین اجتماعی و الحاق آن به وزارت بهداشت باشد. وی با بیان این که تأمین اجتماعی متعلق به بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی است، گفت با انجام این کار، رایگان بودن درمان بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی لغو می‌شود. به گفته‌ی او، کارگران برای اعلام مخالفت با اجرای این طرح در صد برگزاری یک اجتماع صنفی هستند.

بایجاد تشکلهای مستقل و همبستگی تمامی کارگران و زحمت‌کشان می‌تواند مقابل این طرح ایستادگی کرد.

نشان دهنده‌ی عمل‌کرد آنها و از جمله مدیرعامل سازمان در دوره‌ی گذشته است که به نام پاداش و هزینه‌ی ماموریت و اضافه‌کاری و... سرمایه و دست‌رنج کارگران را بین دوستان و نزدیکان خود تقسیم کردند.

براساس ماده‌ی ۲۸ و تبصره‌های دو، سه و چهار از بند د قانون برنامه‌ی پنجم، سازمان تأمین اجتماعی جزو اموال دولتی نبوده و جزو مایملک کارگران محسوب می‌شود و از ادغام مستثنی است و نمی‌توان اموال و پول کارگران را تصاحب و دولتی کرد.

ادغام صندوق درمانی سازمان تأمین اجتماعی در یک نهاد دولتی، به معنای انتقال میلیاردها تومان از سرمایه‌ی کارگران به خزانه‌ی دولتی است که از گذشته تاکنون همواره بابت تعهدات خود میلیاردها تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است.

علت مخالفت جامعه‌ی کارگری با ادغام صندوق درمانی سازمان تأمین اجتماعی در "سازمان بیمه‌ی سلامت ایران" این است که دولت و مجلس قصد دارند هزینه‌ی درمان آحاد جامعه را به دوش کارگران بیاورند. زیرا که منابع مالی این صندوق درمانی از حق بیمه‌ی کارگران مشمول قانون کار تأمین می‌شوند. اداره‌ی مراکز درمانی نیز از همین منابع اداره می‌شوند.

لازم به ذکر است که کارگران ۳۰ درصد از حقوق ماهیانه‌ی خود را به عنوان حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنند که نزدیک به یک‌سوم آن (۹ درصد از حقوق ماهیانه) متعلق به صندوق درمانی است.

به گفته‌ی یک فعال کارگری، خروج کارگاه‌های ۱۰ نفره در زمان دولت اصلاحات، منجر به تضییع حقوق جامعه‌ی کارگری شد. حسن روحانی نیز گفته است مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی را ادامه خواهد داد. طبق این شیوه‌ی

از تجارب دیگران

جنبش کارگری و نقش آن در مرحله‌ی گذار از دیکتاتوری

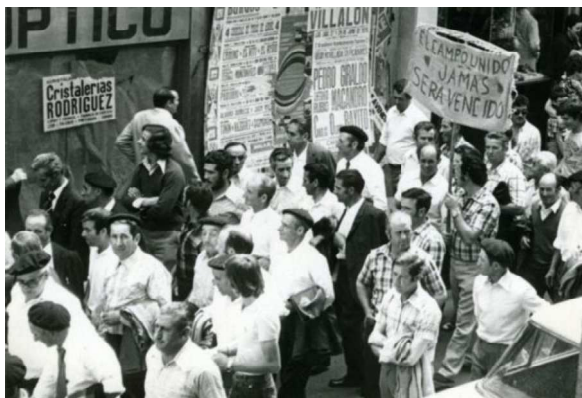
بخش یازدهم

نیکلاس سارنوروس و البرنوسایو

تندباد اعتصاب‌ها (۶)

در شش ماه اول سال ۱۹۷۶ جلوگیری از فروپاشی سندیکاها [دولتی]، و به جای آن برگزاری انتخاباتی دموکراتیک در آنها، توأم با خواست آزادی نامحدودی سندیکایی، اصلی‌ترین مطالبات جنبش کارگری بودند. کارگران به درستی احساس می‌کردند که علی‌رغم نفوذ نسبی‌شان در سندیکاها دولتی، این سازمان‌ها در مجموع به مانع بزرگی در راه دموکراتیزه کردن کشور تبدیل شده‌اند، در دیاپوگ سازنده هیچ نقشی ندارند و از این رو باید جای‌شان را به سندیکاهایی متحد، دموکراتیک و خاصه مستقل -مستقل از دولت و کارفرمایان- بدهند. [برای نیل به این هدف آنان طریق دموکراتیزه کردن سندیکاها دولتی و نه فروپاشاندن آنها را پیشه کرده بودند].

تبلیغات کمیته‌های کارگری، سندیکای عمومی کارگران و سندیکای مرکز ملی زحمتکشان در این رابطه روزبه‌روز بُرد و نفوذ بیشتری می‌یافت. این فکر که می‌توان در ساختار سندیکاها موجود تجدیدنظر کرد، هر روز بیشتر از پیش جا



عکسی از تظاهرات کشاورزان شهر پالنسیا، ۳۰ ژوئن ۱۹۷۶
بر روی پلاکارت این شعر مشهور نوشته شده است:
EL CAMPO UNIDO JAMÁS SERA VENCIDO
آری، متحدان هرگز شکست نخواهند خورد

باز می‌کرد؛ فکری که از این نیز غافل نبود که باید کارفرمایان را مجاب کرد که وجود نمایندگان واقعی کارگران می‌تواند صلح عمومی را در جامعه تضمین کند.

از سوی دیگر در آن ماه‌ها موجی از فراخوان‌ها و اطلاعیه‌ها علیه اضافه‌کاری و در افشای شرکت‌هایی که کارگران را به



در سال ۱۹۷۶، در دوران نخست‌وزیری کارلوس آریاس، دستگیری کارگران در خارج از ساعات کار، همچنان ادامه داشت. این اقدامات به جو ناامنی و دلهره دامن می‌زدند. پرونده‌سازی علیه فعالان سندیکایی و کارگران اخراجی "اخلال‌گر" - که هیچ ارتباطی هم با سندیکاها نداشتند، یا محروم کردن موقت آنان از کار و دستمزد، جریان رایج آن ایام بود. در سال ۱۹۷۵، علی‌رغم سفارش‌های پدرانه‌ی وزارت کار که کارفرمایان را از دست زدن به اعمال غیرقانونی و دادن بهانه به دست کمیته‌های کارگری پرهیز می‌داد، بسیاری از کارگران از هرگونه پوشش قانونی محروم بودند.

در سال ۱۹۷۶ دولت، تحت فشار صاحبان سرمایه، تبصره‌ی ۳۵ قانون روابط شغلی را لغو کرد و اخراج آزاد را به جای آن نشانده. به این ترتیب این قانون به عنوان حربه‌ای کارآ در اختیار کارفرمایان قرار گرفت تا بتوانند با توسل به آن و با پرداخت خسارت بسیار ناچیزی، خود را از "شر کارگران ناراضی، نامطلوب و تحریک کننده" خلاص کنند. بسیار پیش می‌آمد که به این یا آن بهانه ابلاغیه‌ی اخراج برای کارگران فرستاده می‌شد؛ بدون آن که مشکل یا بحرانی وجود داشته باشد. اگر توافقی حاصل نمی‌شد، کار به دادگاه می‌کشید. گاه قاضی دادگاه به نفع زحمت‌کشان رأی می‌داد، اما چون کارفرما اختیار پرهیز از بازگرداندن کارگر را داشت، تنها حاصل شکایت افزایش بسیار ناچیز خسارت پرداختی به کارگر بود. و این، کار کارگر شاکتی را به او باز نمی‌گرداند.

این البته درست است که چنان که پیش‌تر تشریح شد، کارزارها توانستند جریان اخراج را کند کنند و موجب بازگشت کارگران اخراجی به سر کارشان، از جمله در شرکت‌های کورپرو، زیمنس و کلاوسور شوند. این واقعیت حتی شامل حال کارگران اخراجی سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ نیز شد. مثلاً مدیریت شرکت ماشین‌سازی سیات سرانجام مجبور شد بازگشت به کار صدها کارگر، به جز ۲۰ نفر از آنان را، بپذیرد. این شرکت در سال ۱۹۷۴ صدها کارگر را به دلیل فعالیت‌هایشان اخراج کرده بود و ۲۰ نفر مذکور کسانی بودند که مدیریت، آنان را عاملان اصلی فعالیت‌ها می‌شناخت.

"اضافه‌کاری پنهان" وامی‌داشتند، برای توقف اخراج‌ها و جرمه‌های تحمیلی در صدها شرکت برخاسته بود. اخراج به خاطر تعلقات سیاسی و عقیدتی کارگران، یک حربه‌ی قدیمی در دست کارفرمایان بود. در این مورد کتاب "جنبش کارگری و سندیکالیسم طبقاتی در اسپانیا"، نوشته‌ی ستیلن، حاوی اطلاعات دست اولی است. مثلاً در این کتاب می‌خوانیم: "در طول تقریباً یک سال، یعنی در فاصله‌ی اکتبر ۱۹۷۱ تا دسامبر ۱۹۷۲، ۱۷ فعال سندیکایی به بهانه‌ی پایان قرارداد، از کار اخراج شدند. اما سیاست اخراج راه‌حلی برای تخفیف مطالبات حقوق‌بگیران نبود. اخراج نه تنها مشکلات را حل نمی‌کرد و به تشنجات پایان نمی‌داد، بلکه مواضع کارگران را رادیکال‌تر می‌کرد. برخی از مقامات آن زمان با آرزوی تأمین و حفظ آرامش در خیابان‌ها، می‌گفتند و می‌نوشتند که "توافقات متمادی بین کارگران و کارفرمایان دیگر کافی نیستند. چنین توافقاتی وقتی برای امنیت عمومی مفیداند که با اخراج‌های دسته‌جمعی همراه نباشند." علی‌رغم این اظهارات، ستیلن خبر از اخراج سه‌هزار و ۷۰۰ کارگر در سال ۱۹۷۶ می‌دهد که همگی‌شان قربانی انتقام کارفرمایان شده بودند. تصادفی نبود که نیمی از برجسته‌ترین خواسته‌های کارگران، بازگشت فعالان اخراجی به سر کارشان بود. طرفه این که فعالیت کارگری در دیگر کشورهای اتحادیه‌ی اروپا، که اسپانیا ادعای آمادگی برای پیوستن به آن را داشت، قانونی بود. فرهنگ خشن کارفرمایان، مصونیت آنان در برابر "نیروهای امنیت ملی"، تحمیل یکجانبه‌ی روابط کاری و واکنش آنان به مطالبات اقتصادی کارگران از سوئی، و از سوی دیگر یک جنبش قدرتمند کارگری که با استفاده از حربه‌ی آزموده شده‌ی سندیکالیسم آمده‌ی دفاع از منافع خود بود، وضع متناقضی را به بار آورده بودند. وضع پیچیده‌ی بود، زیرا علاوه بر رودررویی گفته شده بین کارگران و کارفرمایان، در پشت برخی از شرکت‌های درگیر این رودررویی، شخصیت‌های افراطی و بی‌تحمیلی نیز پنهان شده بودند؛ شخصیت‌هایی چون بلاس پینار، رهبر راست‌های افراطی اسپانیا و مشاور قانونی مدیریت شرکت کرایسلر، والرو برمه خو مشاور شرکت فورخاس الاوسا و ... و چنان که کارگران شرکت هونسا می‌گفتند، مارتینز بوردیو فقط به این خاطر که برادر آریستوکراتش داماد فرانکو بود، در رأس این شرکت قرار گرفته بود.

اخبار خارجی

امریکا:

در دیوان عالی قضایی ایالت میسوری تصویب شد

رأی به گسترش حقوق کارگران مجروح

آسوشیتد پرس، ۱۶ آوریل

روز سه‌شنبه، ۱۵ آوریل ۲۰۱۴، دیوان عالی قضایی ایالت میسوری با پایان دادن به مقررات ۳۰ ساله‌ی جاری در این ایالت، رأی به گسترش حمایت‌های قانونی از کارگرانی را داد که دچار سانحه می‌شوند و در اثر آن کارشان را از دست می‌دهند.

این دادگاه ۵ به ۲ به این رأی داد که از این پس کارگران برای پیروزی در دعاوی حقوقی مربوط به ادعای غرامت، دیگر مجبور نیستند ثابت کنند که تنها دلیل اخراج‌شان از کار، همین



هیئت قضات دیوان عالی قضایی ایالت میسوری

ادعای غرامت بوده است. بنا به رأی دادگاه اثبات این که ادعای غرامت یکی از موجبات اخراج بوده است، برای دریافت غرامت کافی است.



عکس از راهپیمایی گروهی از کارگران در ایالت جنوبی آدانا با خواست حق برگزاری مراسم اول ماه می

اول ماه می برای فعالان کارگری پس از قتل عام انجام یافته در روز اول ماه می سال ۱۹۷۷ همچنان محفوظ است. در روز مذکور ۲۶ نفر در اثر آتش اسلحه‌ی مهاجمان "ناشناس" به قتل رسیدند.

پس از آن به مدت ۳۰ سال میدان تقسیم، در مرکز شهر استانبول، برای برگزاری مراسم اول ماه می "خارج از محدوده" محسوب می‌شد، تا در سال ۲۰۱۰ مجدداً اجازه‌ی برگزاری این مراسم در آن داده شد. اما سال گذشته باز دولت استانبول به دلیل وجود انبوه مصالح و تجهیزات ساختمانی در این میدان، از برگزاری مراسم اول ماه می در آن جلوگیری کرد.

اتحادیه‌های کارگری بر برگزاری اول ماه می در میدان تقسیم اصرار داشتند، اما نیروهای انتظامی مانع از برگزاری جشن آنان شدند. احتمالاً امسال نیز برگزاری مراسم اول ماه می در میدان تقسیم ممنوع گردد.

رأی دیوان عالی قضایی ایالت میسوری بر استانداردهای دولت فدرال در مورد تلافی‌جویی [کارفرما علیه کارگر] و تبعیض میان کارگران بر مبنای نژاد، جنس، سن و ... اتکا دارد.

جورج دراپر، قاضی دادگاه مذکور، در توضیح رأی دادگاه می‌گوید: "تبعیض علیه کارگر به خاطر اقدام او برای دریافت غرامت، همچون دیگر تبعیضات مندرج در پیمان حقوق بشر میسوری، غیرقانونی، شرم‌آور و غیرقابل پذیرش است."

جریان این دادگاه با حساسیت بسیاری، چه توسط کارفرمایان و چه توسط وکلای کارگران قربانی، تعقیب می‌شد. این رأی می‌تواند پی‌آمدهایی برای قوانین ایالت میسوری که مجلس آن تحت هدایت جمهوری‌خواهان است، داشته باشد. مجلس میسوری سال‌ها کوشیده است که تغییراتی را در ترم‌های مربوط به "سهم هر یک از طرفین" [به نفع کارفرمایان] وارد کند. اما فرماندار این ایالت، جی. نیکسون از حزب دموکرات، مدام این تغییرات را وتو می‌کرده است.

دن مهان، رییس اتاق بازرگانی و صنعت میسوری، می‌گوید که خواهد کوشید مجلس را ترغیب کند که با تغییر قانونی که رأی دادگاه بر آن استوار است، این رأی را بی‌اثر کند. او می‌افزاید: "کارفرمایان میسوری باید از مقررات جدید آگاه باشند. این مقررات به گمانه‌زنی‌های [کارگران] برای اقامه‌ی دعوی دامن خواهد زد."

این "کانون وکلای میسوری" بود که دیوان عالی قضایی را به حذف شرط "انگیزه‌ی یگانه" برای پرداخت غرامت به کارگران آسیب‌دیده ترغیب کرد. وکلای افرادی که اقامه‌ی دعوی کرده بودند، رأی دادگاه را "یک پیروزی برای کارگران" خواندند.

سارا شویت، مدیرعامل کانون وکلای میسوری، می‌گوید: "کارگران هنوز هم راه دشواری را در پیش دارند. اما دست‌کم الان دیگر کار و بار ناممکنی نیست."

ترکیه:

اتحادیه‌های کارگری در میدان تقسیم استانبول جشن می‌گیرند

خریت، ۱۵ آوریل

یکی از رهبران کارگری ارشد ترکیه گفته است که هزاران عضو اتحادیه‌های کارگری مصمم‌اند که روز اول ماه می، روز بین‌المللی کارگر، را در میدان تقسیم جشن بگیرند؛ ولو که مقامات با این اقدام موافقت نکنند.

روز دوشنبه ۱۴ آوریل، نامی اوزگن، رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری در بخش دولتی، پیش از آن که به دیدار شهردار استانبول برود، اعلام کرد که اجتماع در میدان تقسیم برای اعضای کنفدراسیون، به دلیل پایبندی عاطفی آنان به این میدان، از زمره‌ی "واجبات" است.

اوزگن به آژانس خبری آنادولو گفت که اهمیت روز اول ماه می برای فعالان کارگری پس از قتل عام انجام یافته در روز

چین:

اعتصاب گسترده‌ی کارگران بزرگترین کارخانه کفش چین

بی.بی.سی. انگلیسی، ۱۶ آوریل

هزاران کارگر یکی از کارخانه‌های عظیم کفش در چین، سازنده‌ی بسیاری از برندهای شناخته شده، از جمله نایک و آدیداس، در اعتراض به وضع تأمین اجتماعی‌شان و برای بهبود آن، در اعتصاب به سر می‌برند. کارگران کارخانه‌ی یتوئون در دونگوان، قطب صنعتی جنوب چین، خواهان بیمه‌ی اجتماعی بهتر و پرداخت سهم بیشتری به تعاونی مسکن توسط کارخانه هستند.

بنا به گزارش‌ها اختلاف میان کارگران و شرکت از اول آوریل که کارگران پیشنهاد مدیریت را رد کردند، بالا گرفته است.

در سال‌های اخیر چین با شمار فزاینده‌ی اعتصابات کارگران مواجه بوده است.



در مقابل استانداری، برای دومین روز متوالی به انحلال این واحد تولیدی و بیکاری ۲۷۴ کارگر واکنش نشان دادند. علی اکبر هدایتی، نماینده کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که در این تجمع حضور داشت، به خبرنگار ایلنا گفت که تجمع امروز (۱۷ فروردین) پس از آن صورت گرفت که مقامات دولتی شهرستان قروه پاسخ قانع کننده‌ای به تجمع اعتراضی روز گذشته کارگران ندادند.

هدایتی با بیان اینکه کارفرما قصد دارد بیشتر کارگران را برای بیمه‌ی بیکاری معرفی کند و تعداد کمی از کارگران را برای محافظت از کارخانه حفظ کند، افزود: سایر کارگرانی که دارای سوابق کاری بین ۱۰ تا ۲۳ سال هستند، نگران‌اند که بعد از سپری شدن دوران دریافت مقرری بیمه‌ی بیکاری در این شرایط سنی و مخصوصاً در اوضاع اقتصادی فعلی که بسیاری از جوانان بیکارند، امکان یافتن شغل دیگری را نیابند.

کارگران اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست استان کردستان تجمع کردند



حق فوق العاده ویژه کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان که معادل ۲۵ درصد از حقوق آنان است، از پایان خرداد ماه سال ۹۲ پرداخت نشده است.

جمعی از کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان (۲۵ فروردین) در اعتراض به آنچه ناعادلانه بودن حقوق و مزایا عنوان می‌کنند در محوطه‌ی محل کار خود تجمع کردند. کارگران اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان از سال ۸۷ تا به امروز نزدیک به ۱۷۶ میلیون تومان حقوق و مزایای معوقه دارند.

اخبار داخلی

تجمع کارگران پتروشیمی اصفهان در مقابل وزارت نفت



جمعی از کارکنان رسمی صنعت نفت شاغل در پتروشیمی اصفهان، (۲۷ فروردین) با سفر به تهران در اعتراض به آنچه بلاتکلیفی در قراردادهای کاری‌شان عنوان می‌کنند در مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع کردند.

یکی از معترضان در تشریح علت این اعتراض به ایلنا گفت: مشکلات کارکنان پتروشیمی اصفهان از سال ۸۲ و زمانی که دولت وقت این واحد صنعتی را بابت پرداخت بخشی از بدهی‌های مالی‌اش به سازمان تأمین اجتماعی واگذار کرد آغاز شد.

این کارمند معترض در پتروشیمی اصفهان در ادامه‌ی تشریح مشکلات صنفی خود و همکاری‌اش تصریح کرد: اما از سال ۸۹ که این واحد (پتروشیمی اصفهان) مجدداً از سازمان تأمین اجتماعی منفک و مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی و اگذار شد، مشکلات جدی کارکنان استخدامی وزارت نفت شاغل در پتروشیمی اصفهان نیز شروع شد به طوری که در تیر ماه سال گذشته فعالیت این کارخانه به دلیل نداشتن توان مالی و مواد اولیه‌ی تولید، به مدت هفت ماه به طور موقت تعطیل شد.

او گفت: پتروشیمی اصفهان بیش از هزار میلیارد تومان بدهی‌های معوقه‌ی مالی دارد که فقط ۲۸۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به پالایشگاه اصفهان بوده و مابقی آن مربوط به بازپرداخت تسهیلات دریافتی به بانک‌های خصوصی و دولتی است.

کارگران شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس تجمع کردند

حدود ۲۰۰ تن از کارگران شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس از شهرستان قروه، با سفر به مرکز استان کردستان و تجمع



بخش بزرگی از کفش‌های سراسر دنیا در چین ساخته می‌شود

گفته می‌شود که کارگران کارخانه‌ی ینوئون به خصوص بابت تعویق پرداخت حق بیمه‌های مربوط به ایمنی محل کار عصبانی هستند.

فریب

چوئی تیانگانگ، یکی از کارگران کارخانه، به بنگاه خبری آسوشیند پرس گفته است که شرکت، حق بیمه‌ی محل کار را کامل نپرداخته است. او این نکته را پس از آن که در جریان کار مصدوم شد [اما از این بابت غرامتی به او پرداخت نشد] دریافت کرده است.

کارگر دیگری می‌گوید: شرکت ۱۰ سال تمام ما را فریب داده است. مقامات محلی، اداره‌ی کار، اداره‌ی تأمین اجتماعی و شرکت، همگی‌شان ما را فریب دادند.

با این وجود، یکی از سخن‌گویان شرکت ینوئون به رویترز گفته است که "یک طرح تأمین اجتماعی" اعلام شده است. این طرح بر تحلیل همه جانبه‌ی وضع داخلی شرکت و محاسبه و ملاحظه‌ی تمام فاکتورها، از جمله قابلیت اجرای طرح توسط شرکت، استوار است.

شرکت ینوئون ادعا دارد که بزرگترین سازنده‌ی کفش در جهان است. تنها در شعبه‌ی دونگوان این شرکت ۴۰ هزار کارگر کار می‌کنند.

شرایط کارخانه‌ها در چین در سال‌های اخیر مورد تحقیقات دقیق‌تری قرار گرفته‌اند. در سال‌های اخیر هم‌چنین کارگران بیشتری در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و شرایط کار دشوار دست به اعتصاب زده‌اند.



بازرسان سازمان حمایت در برابر مجلس اعتراض کردند



حدود ۳۰۰ تن از بازرسان سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان سراسر کشور در اعتراض به تصمیم اخیر وزارت صنعت معدن و تجارت

در خصوص تغییر تبدیل وضعیت استخدامی‌شان از قرارداد مستقیم به شرکتی، در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند

دبیر اتحادیه‌ی زنان کارگر شهرستانهای لامرد و مهر: کارگران زن محروم از حق و حقوق قانونی

بسیاری از زنان کارگری که در بازار و کارگاه‌های کوچک خانگی مشغول به کار هستند علاوه بر محروم بودن از حداقل حقوق قانون کار نیز بیمه و سایر مزایای قانونی خود را دریافت نمی‌کنند. نجه کیمیایی دبیر اتحادیه زنان کارگر شهرستان‌های لامرد و مهر، با اشاره به مشکلات زنان کارگر این دو شهرستان گفت: فاصله‌ی مکانی زیاد زنان روستا تا شهر، نبود فرصت‌های شغلی

مناسب و فقدان زیرساخت‌های مورد نیاز برای فعالیت‌های اجتماعی زنان در این شهرستان‌های صنعتی مشکلات مضاعفی را برای زنان کارگر به وجود آورده است.

سرنوشت نامعلوم 40 هزار میلیارد تومان پروژه اقتصادی

به گزارش اداره‌ی کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، نجات امینی معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تأمین اجتماعی گفت: در حال حاضر ۴۰ هزار میلیارد تومان پروژه‌ی اقتصادی در دست اجرا داریم که عملیاتی کردن همه‌ی این پروژه‌ها کار بسیار سختی است. از این رو اتمام پروژه‌هایی که توجیه اقتصادی بالاتری دارند، در اولویت قرار می‌گیرند.

یادداشت

جنگ میلیاردرها بر سر قدرت!

بنا بر گزارشی که در سایت خبرگزاری فارس، از مصاحبه‌ی یاس نادران در "برنامه تلویزیونی ترنا" گزینه شده و با عنوان، "وزرا حاضر به اعلام دارایی‌هایشان هستند؟" در ۲۸ اردیبهشت منتشر شده است، این نماینده‌ی محافظه‌کار، برخی رویکرد های دولت روحانی را زیر ذربین قرار داده و سعی کرده است تناقض میان حرف و عمل دولت روحانی را برملا نماید. نادران در مصاحبه‌اش، دولت روحانی را غیر شفاف و متهم به رانت‌خواری می‌کند و از بدنه‌ی دولت شروع کند. او شفافیت اطلاعاتی را از بدنه‌ی دولت شروع کند. او می‌گوید: "چند وزیر دولت بین ۸۰۰ میلیارد تا هزار میلیارد تومان ثروت دارند... وزرا حاضر هستند دارایی‌هایشان را اعلام کنند؟ اگر خیر، پس چرا توقع انصراف مردم از دریافت پاران و ارائه‌ی اطلاعات اقتصادی خود را دارند؟"

وی در بخش دیگری از مصاحبه می‌گوید: "درنامه‌ای که اخیراً منتشر شد شاهد ارائه‌ی اعتبار ۶۵۰ میلیون یورویی، تنها به یک شخص بودیم و امکان واردات با شرایط بسیار ویژه برای عده‌ای فراهم شد... متأسفانه به عنوان برخی زیرساخت‌ها که به اعتقاد من اثرگذاری برخی عناصر با نفوذ در دولت است و موجب ایجاد رانت‌های کلان شده است."

مصاحبه‌ی نادران که ظاهراً توسط مدیریت "صدا و سیما" و با نیت افشاگری علیه دولت روحانی انجام گرفته و مورد استقبال محافظه‌کاران منتقد دولت واقع شده، به رغم تلاش‌هایی که برای مردمی و غیرمردمی جلوه دادن اختلافات جناح‌ها توسط طرفین دعوا انجام می‌گیرد، در واقع نه جنگ بر سر منافع مردم و کشور یا شفاف‌سازی و علیه رانت‌خواری، بلکه جنگ میان رانت‌خواران غالب و مغلوب و جنگ میلیاردرها بر سر موقعیت سیاسی و تسلط بر منابع اقتصادی کشور و حفظ رانت است. جنگ میلیارد‌های حکومتی داشته، همچنان



به خاطر اشتباه‌ی سیری‌ناپذیر میلیارد‌های حکومتی با حدت ادامه دارد و آنچه در این میان مطرح نیست، منافع جامعه و کشور است.

از میان کامنت‌های خواندنی و جالبی که توسط خوانندگان ارتباط با این مصاحبه در ذیل آن منتشر شده بود، به آسانی می‌شود فهمید که خوانندگان نیز در این مورد که جنگ بر سر منافع جامعه نیست، بلکه بر سر منافع جریان‌های حکومتی است، وقوف دارند و فریب این حرف‌ها را نمی‌خورند. یکی از این کامنت‌ها پرسش یکی از خوانندگان راجع به افزایش ۱۰ میلیون تومانی حقوق وزرا بود. او در کامنت‌اش به طعنه نوشت: "اگر وزرا وضع مالی‌شان خراب نبود که افزایش حقوق ماهی ۱۰ میلیون تومانی برای خودشان تصویب نمی‌کردند. البته لطف کرده‌اند پاران نمی‌گیرند."

گرچه هنوز صحت و سقم ۱۰ میلیون افزایش دستمزد وزرا معلوم نیست، ولی اگر صحت داشته باشد، با در نظر گرفتن هیاهوهای تبلیغاتی و جوسازی‌های مزورانه‌ای که برای توجیه عدم افزایش دستمزد سال ۹۳ کارگران متناسب با تورم از طرف دولت و وزیر کارش به راه افتاد، نامی جز ریاکاری بر آن نمی‌شود نهاد.



روز جهانی کارگر

خواست اصلی کارگران افزایش فوری حداقل دستمزد است



جوانمیر مرادی،

به نقل از: سایت اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران

شورای عالی کار بعد از برگزاری جلسات متعددی با افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد موافقت نمود. این موافقت در حالی صورت گرفته است که مطابق ماده‌ی ۴۱ قانون کار، حداقل مزد باید برابر با نرخ تورم افزایش یابد. این اقدام شورای عالی کار آشکارا نقض قانون است که باید جواب‌گوی میلیون‌ها کارگر و خانواده کارگری باشد. نرخ تورم زمانی که شورای عالی در حال به اصطلاح بررسی و گفت‌وگو بر سر میزان افزایش حداقل مزد بود، چندین بار عده‌های زیر ۴۰ درصد اعلام شد. این تغییرات بیشتر شبیه به بازی‌ای بود تا ذهن جامعه و به خصوص کارگران را نسبت به واقعیت تورم مغشوش و متوهم کنند. مدام به طور غیرواقعی رو به پایین اعلام نمودن نرخ تورم چیزی جز ایجاد توهم مبنی بر اینکه تورم در حال به‌تحت کنترل در آمدن است، را در خود نداشته. و انتظار این بوده که کارگران نسبت به آن خوشبین شده و راضی به تصمیم شورای عالی کار شوند.

در آن زمان (زمان تصویب حداقل مزد) نرخ تورم ۲۵ درصد اعلام شده بود. در حالی که حداقل مزد ۲۵ درصد تصویب شد. این اتفاق علاوه بر ضدیت شورای عالی کار با کارگران، بیانگر عمق گرانی و فاجعه‌ی معیشتی اکثریت جامعه است. عمق گرانی و تورم به حدی زیاد بود که بیشتر از این قابل پرده‌پوشی برای مسئولین نبود و ناچار شدند تن به اعلام رقم ۲۵ درصدی تورم بدهند.

مطابق ماده‌ی ۴۱ قانون کار، هر ساله بایستی حداقل مزد مطابق نرخ تورم اعلام شده توسط مرکز آمار ایران تعیین و تصویب شود، اما امسال حداقل مزد با ۱۰ درصد کمتر از نرخ تورم اعلام شده تعیین گردیده است که خود آشکارا نقض قانون است و کارگران حق دارند نافضان قانون را به چالش بکشند که این‌که تاکنون اقدام به اعتراضاتی در بعضی مراکز کارگری نموده‌اند. اما این اعتراضات به همین حد محدود نخواهد ماند و تا رسیدن به جواب مطلوب، در سطح وسیع‌تری به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

واقعیت گرانی‌ای که امروز بعد از حدود دو ماه از تصویب حداقل مزد، کمر کارگران را خرد کرده، فراتر از نرخ تورم اعلام شده و دیگر ادعاهای مرتبط با گرانی می‌باشد. هنوز کمتر از یک ماه از سال جدید نگذشته که مقرر شده است قیمت حامل‌های انرژی که نقش و تأثیر مستقیمی بر سطح معیشت میلیون‌ها خانواده‌ی کارگری و دیگر اقشار زحمت‌کش جامعه دارند، از ۲۵ درصد تا ۲۵ درصد و بالاتر افزایش یابند و قیمت برق ۲۵ درصد، گاز ۲۰ درصد و حمل و نقل ۲۵ درصد از اول سال افزایش پیدا کرده است. تجربه‌ی چندین ساله‌ی اخیر به خوبی نشان داده است وقتی که دولت رسماً خود اقدام به افزایش قیمت برق و گاز و ...

می‌کند، قیمت بقیه‌ی اجناس نیز به‌خصوص مواد خوراکی، پوشاک، حمل و نقل، بهداشت و درمان و غیره چندین برابر بالا می‌رود. بنابراین و بر اساس واقعیات موجود تا همین امروز افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد بر اثر افزایش قیمت گاز و برق و حمل و نقل و ... و به طبع آن افزایش قیمت مایحتاج عمومی، خنثی شده و عملاً کارگران از نظر قدرت خرید ناتوان‌تر از زمان تصویب حداقل مزد شده‌اند.

این شرایط باعث شده است تا کارگران به چاره‌جویی جدی واداشته شوند. به طوری که از فردای تصویب حداقل مزد، جنب و جوشی برای واداشتن شورای عالی کار به تجدید نظر بر مزد مصوب در جریان است و کارگران ایران مصمم هستند تا از حق قانونی خود استفاده کرده و مسئولین را به پاسخ‌گویی وادارند. کارگران می‌دانند که حداقل مزد باید بالای دو میلیون تومان باشد تا بتوانند زندگی‌ای در سطح بالای خط فقر داشته باشند و در واقع چنین توقعی از دولت دارند و برای آن در حال مبارزه هستند، اما قبل از هر چیز خواهان اجرای ماده‌ی ۴۱ قانون کار و تجدید نظر در مزد مصوب ۹۳ می‌باشند. هر چند اجرای ماده‌ی ۴۱ قانون کار در حالی که نرخ تورم واقعی هیچ‌وقت اعلام نمی‌شود، دردی از هزاران درد کارگران را دوا نمی‌کند اما این تخطی از قانون توسط شورای عالی کار باید با تجدید نظر در مزد مصوب جبران گردد و کارگران در این مورد به حق قانونی خود برسند.

بعد از این گام، نوبت به گام بعدی برای رسیدن به زندگی‌ای در خور انسان مدرن قرن بیست و یکمی خواهد رسید. زندگی‌ای که هزینه‌اش نه بر اساس داده‌های مرکز آمار، بلکه از واقعیات بازار بیرون خواهد آمد و باید مطابق با آن حداقل مزد تعیین شود. مرکز آمار ایران نرخ تورم را هر عددی اعلام کند، نمی‌تواند سیب‌زمینی کیلوئی چهار هزار تومان امروز را نسبت به سیب‌زمینی کیلوئی دو هزار تومان دو ماه پیش در جدول ۲۵ درصد تورم جای دهد. بنابراین معلوم است که مرکز آمار نرخ تورم واقعی را اعلام نمی‌کند و واقعیت آنجاست که مردم باید مایحتاج زندگی‌شان را تهیه کنند، یعنی بازار است که تعیین می‌کند کارگر از چه سهمی از خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، حمل و نقل و غیره برخوردار باشد.

اکنون یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر در راه است. این روز را باید به روز اعتراض سراسری به حداقل مزد تبدیل کرد و به ویژه خواستار اجرای ماده ۴۱ قانون کار شد. حداقل مزد موجود به هیچ‌وجه جواب‌گوی حداقل‌های زندگی نمی‌باشد. این وضعیت برای کارگران نه قابل تحمل است و نه قابل دوام؛ قابل تحمل نیست، چون ۶۰۸ هزار تومان معادل رقم تقریباً چهار برابر زیر خط فقر است و قابل دوام نیست، چون کارگران مصمم به ایجاد تغییر در وضعیت زندگی‌شان هستند و تا رسیدن به حداقل مزد مطلوب اعتراضات خود را جدی‌تر از گذشته به پیش خواهند برد. امسال مراسم روز جهانی کارگر باید با خواست افزایش دستمزد به عنوان یکی از خواست‌های اصلی کارگران در هر جمع و گروه کارگری برگزار شود. با توجه به شرایط تاکنونی و موجود و اوضاع بحرانی‌ای که در سایه‌ی حذف یارانه‌ها (مرحله‌ی دوم) در راه است، افزایش دستمزد یکی از اصلی‌ترین مطالبات کارگران است. این گفته‌ی خود مسئولین است که موج گرانی عظیم‌تری در راه است و این یعنی گرسنگی و فقر شدیدتر برای اکثریت جامعه. در نتیجه خواست اصلی کارگران نیز باید افزایش حداقل مزد متناسب با میزان گرانی و تورم واقعی باشد.